

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

انجینر محمد هاشم رائق- امریکا

۱۳ اگست ۲۰۱۲

## صلح و آشتی

آورده اند که در آن دور دستها ، آنطرف اوقیانوس ها ، جنگل بزرگ و بی سروپا مملو از درختان انبوه کاج و پنجه چنار و سفید دار قرار دارد که در آن انواع حیوانات وحشی زندگی می کنند. اتفاقاً در گوشه این بیسه یگ گله از شغالان در مجاورت اقامتگاه شیران زندگی می کنند. گویند شغالان دود هم از این دورتر از جایگاه شان شیر بچه (چوپه شیر) نوزاد را به قسم شکار ربوندند. شیران از این پیش آمد سخت مشوش و عصبانی گردیدند. گرچه شیر یکی از قویترین حیوانات جنگل است می توانیم بگویم که از با حوصله ترین حیوانات وحشی هم است و دارای صفات خیلی عالی و ارزنده می باشند.

با یک گله گی ساده به پاس همسایه داری گذشت کردند، اما شغالان خلاف آن از گوشت شیرین این شیر بچه لذت بردند و وقت و نا وقت که دست شان می رسید روباه صفتانه برای شیران درد سر ایجاد می می کردند. شغالان به استفاده از مراعات شیران، بازی به دنب شیرا دوام دادند و یک تعداد حیوانات مختلف روباه صفتان جنگل و حتی یک تعداد شیران ضعیف النفس را در دام مکرو حیل خود در آورده باعث ایجاد مشکلات و حتی اعمال خطرناک برای تمام حیوانات گوشه های مختلف جنگل شدند.

جهان حیوانات از این اعمال وحشیانه و مذبحانه شغالان به شورو شر افتاده و همه دست کمک به جمعیت شیران دراز کردند. کمک ها و پشتیبانی از تمام گوشه های جنگل برای شیران سرازیر شد و باعث یک اندازه گد و دی گردید در این گد دار یک دسته از شیران گربه صفت در جمعیت شیران روی کار آمد که در طول تاریخ پر افتخار شیران این حالت را به یاد ندارد. روز به روز جمعیت شیران در مقابل مکرو حیل شغالان خویش را ضعیف و ناتوان حس می کردند تا این که از شغالان درخواست صلح و آشتی را نمودند. شغالان از این درخواست مغرورانه به خود بالیده با گردن های افراشته و دنب های قرقره در خواست شیران را رد کردند و به حیل و مکر دیگر پرداختند و سیاست دو رویه را پیش گرفتند. گروپ شیران که اهل نیرنگ و حیل نیستند به درخواست و آشتی دوام دادند در مسیر این مدت تلفات و تاوان های زیاد را متقبل شدند. در بین جمعیت شان پراگندگی های تباہ کن روی آورد، یکی به جان دیگر افتادند اگر شکاری به یکی دستگیری می کرد همه بر آن حمله می کردند ، تفاوتها بین شان روز

افزون می گردید ، تعدادی از زیاد خوری مبتلا به امراض گوناگون شدند و تعدادی از گرسنگی و فقر به ستوه رسیدند. بالاخره مجلسی به منظور پروسه صلح و گروهی از شیران و علاقه مندان جمع شدند و از بعضی حیوانات شاخدار و بی شاخ دنب دار و دنب بریده ها از کوشه های مختلف جنگل دعوت شدند. در این مجلسی بزرگ شیران که در مقامات بلند در جمعیت شیران قرار دارند فقط به منظور خود نمائی و تملق دهن بکشوند و به توصیف و خوبی صلح چیزی گفتند و پیشبرد این پروسه را تأیید کردند.

اما یکی جرأت نکرد و یا به خاطر این که به مقام و منصبش مبدا صدمه ای برسد نگفت: { صلح با کی و با چی ؟ ما مدت هاست صلح می خواهیم وشغالان وحشیانه به حریم اقامتگاه ما جمله و تجاوز می کنند و چوپه ها و سالمندان ما را شکار می کنند.} در این اثنا شیر سالخورده و کهنه کار که هنوز به همت و غیرت شیری اش صدمه ای نرسیده بود و خون غرور فطری اش به رگهایش جریان داشت، پوست جلدش از کبر سن رنگ زردی اش را از دست داده و مایل به سفیدی شده بود و اشک های شکاری اش افتاده بود ودهنش مانند غار گرگ می نمود. از جای بلندش در حالی که دنب بزرگ، مانند شاخه شکسته درخت توت در عقبش کشال بود و به زحمت حرکت می کرد به آواز بلند اما لرزان گفت: اگر اجازه بدهید تا این کمینه هم در این مجلسی با شکوه ابراز نظرکنم مسرور می شوم. همه خاموش ماندند و یکی به دیگری می دیدید که شخصی خارج از حلقه بدون اجازه قبلی می خواهد صحبت کند: تا آن که یکی از بزرگان کله جنباند و امر داد تا به او اجازه صحبت بدهند. شیر سالخورده گفت:

دوستان ! به استفاده از اندوخته تجربه خود می خواهم خاطر نشان کنم صلح چیست؟ آشتی چیست؟ تا باشد که اگر به درد تان بخورد .

صلح و آشتی دو کلمه است که هرگاه پهلوی هم دیگر قرار گیرند به قسم کلمات مترادف می باشد بدین معنی که هر دو عین مفهوم را افاده می دارد و هرگاه به صورت جداگانه استعمال شود تفسیر و معنی هر کدام اندکی فرق می کند که بدین صورت که صلح بین گروپ و یا اشخاصی که خواسته می شود که در جریان و اثنای جنگ وزد و خورد اند و آشتی بین گروپ و اشخاصی صورت می گیرد که سابقه خصومت و آزردهگی بین شان باشد. به هر صورت هر دو به در خواست و تمایل طرفین صورت پذیر می باشد و هیچ کدام بدون موافقه طرفین صورت گرفته نمی تواند و جنبه عملی ندارد تقاضا و درخواست صلح و آشتی معمولاً از طرف جناح ضعیف و کمزور صورت می گیرد. جانب قدرتمند و قوی هیچ وقت صلح و آشتی را نمی خواهند بلکه به جواب تقاضای جانب درخواست کننده یا جواب رد و دندان شکن می دهد و یا به تقاضای شان ریشخند زنان جواب تمسخرآمیز می دهند و یا این که خاموشانه لاجواب می گذرانند. تمایل و تقاضای یکطرفه شباهت به عشق یکطرفه دارد که عاشق در شعله سوزان عشق می سوزد و معشوق بی علاقه و بی اعتناء باشد و یا قرار گرفته عامیانه از یک دست هیچ وقت صد نمی آید.

از این گفتار هله هله و سر و صدا از هر طرف بلند شد . همه به پا شدند و پیر شیر را از مجلس خارج کردند. توکلش به خداوند/ختم